

نقش حوزه و روحانیت در اقتصاد مقاومتی در سده اخیر

سمانه رمرودی^۱

چکیده

جامعه اسلامی باید همواره به سوی تعالی و پیشرفت گام بردارد و در نقطه اوج باشد؛ بنابراین از محورهای جدی و مهم در رسیدن به این هدف، اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد هم اثرگذار و هم اثرپذیر از فرهنگ است. اقتصاد یکی از اثرگذارترین ابعاد زندگی بشر است که می‌تواند سبک زندگی انسان را دستخوش تحولات مثبت و منفی کند. از این رو اصلاح نگرش‌های اقتصادی و در پیش گرفتن سبکی درست از تعاملات مالی، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات انسان مانند از بین رفتن تبعیض‌ها و ناعدالتی‌های اجتماعی باشد. حوزه علمیه با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در تبیین مبانی دینی و اسلامی دارد، می‌تواند نقش کلیدی در تشریح مبانی نظری اقتصاد مقاومتی ایفا کند. این امر از طریق ارائه تفاسیر و تبیین‌های فقهی از آیات و روایات مرتبط با اقتصاد و همچنین تبیین اصول و ارزش‌های اسلامی که می‌توانند به عنوان مبنای اقتصاد مقاومتی قرار گیرند، محقق می‌شود. بنابراین هدف از انجام این تحقیق، بررسی نقش حوزه و روحانیت در اقتصاد مقاومتی در سده اخیر با استفاده از روش توصیفی- کتابخانه‌ای بوده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد، حوزه علمیه می‌تواند با ترویج فرهنگ کار و تلاش، مصرف بهینه، قناعت، و همچنین نهادینه کردن روحیه خودکفایی و استقلال اقتصادی در جامعه، به تحقق عملی اقتصاد مقاومتی کمک کند.

واژگان کلیدی: حوزه، روحانیت، اقتصاد مقاومتی.

^۱. طلبه حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها) شهرستان زهک، شماره تماس طلبه: ۰۹۳۶۹۲۵۸۷۱۷.

مقدمه

به دنبال شدت گرفتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی جوامع غربی، رهبر معظم انقلاب با طرح و ارائه مفهومی با نام اقتصاد مقاومتی و نیز تبیین مؤلفه‌های اثربخش آن، راهکاری کارا و مناسب را پیش‌روی مسئولان و کارگزاران نظام قرار دادند تا از فرصت پیش‌آمده بهره کافی برده شود و کشور در مسیر توسعه اقتصادی و دیگر اهداف مدنظر قرار گیرد. در واقع، اقتصاد همواره از دغدغه‌های بشر از آغاز تاکنون بوده است. تقویت اقتصاد برای ملت‌ها و حکومت‌ها از این جهت شاید بیشترین اهمیت را داشته باشد که اقتصاد توانمند می‌تواند استقلال یک کشور و ملت را تأمین کند و آن را از سلطه دشمنانش در امان نگه دارد. اقتصاد مقاومتی برای تحقق به عنوان نسخه ای شفا بخش برای اقتصاد بیمار ما نیازمند همکاری همه قوا، ارگان‌ها و ارکان نظام، همه گروه‌ها و حتی همه اقشار و اصناف می‌باشد؛ از جمله این گروه‌ها و اقشار می‌توان به قشر روحانیت اشاره کرد که می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی و به عبارت بهتر در همه عرصه‌های اقتصادی کشور نقش بی بدیلی داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت، حوزه‌های علمیه و روحانیت در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش مهمی دارند. آنها با تبیین و ترویج آموزه‌های دینی در زمینه اقتصاد و همچنین با تشویق مردم به مصرف کالای داخلی و حمایت از تولید ملی، می‌توانند به تقویت اقتصاد کشور کمک کنند. روحانیون به عنوان مرجع فکری جامعه، با بیان اهمیت اقتصاد مقاومتی و تأثیر آن بر استقلال و عزت کشور، می‌توانند نقش مؤثری در بسیج عمومی برای تحقق این هدف ایفا کنند.

۱. تعاریف و مفاهیم:

الف: مفهوم لغوی و اصطلاحی روحانیت

واژه «روحانیت» مصدر جعلی از «روحانی»، از ریشه «روح» و به معنای معنویت در برابر مادیت، فرشته،^۱ مقدس، پاکیزه، پارسایی،^۲ صفا و معنویت و رحمت است.^۳ در اصطلاح اجتماعی، روحانیت عالمان دینی‌اند که در راه تزکیه و آموزش تعالیم الهی و رساندن آن به مردم می‌کوشند و مسئولیت نشان‌دادن راه سعادت و زندگی سالم بر پایه آموزه‌های خداوند را بر عهده دارند. واژه روحانی در این معنا تازه و نوظهور است و کاربرد آن بیشتر در دوره‌های اخیر و پس از نهضت مشروطه و متأثر از ادبیات غرب به کار رفته است.^۴ در منابع شفاهی و مکتوب گذشته اسلامی به جای روحانی بیشتر واژه‌های عالم و علما، ملا، طلبه و طلاب و آخوند به‌ویژه برای عالمان شیعه رایج بوده است. همچنین از عالمان دینی با عناوین و القابی مانند فقیه،^۵ شیخ، مرجع، نایب و عارف، حجة الاسلام و آیت‌الله یاد می‌شده است.^۶

آخوند واژه‌ای فارسی به معنی دانشمند، پیشوای دینی و معلم است. درباره اشتقاق این کلمه، آرای مختلفی است که هیچ یک از این اشتقاقات، خالی از اشکالات تاریخی و زبان‌شناسی نیست و توافق کلی بر سر اصل و ریشه این کلمه حاصل نشده است. گفته شده که نخستین مورد کاربرد واژه آخوند در ایران، به مثابه عنوانی احترام‌آمیز برای روحانیون دانشمند، به دوره تیموریان مربوط می‌شود و در دوره صفویه، حرمت این کلمه حفظ شد و جز بر مردمان بسیار دانشمند اطلاق نگردیده است. در عصر قاجار، کاربرد این کلمه گسترش بیشتری یافت و شامل مدرسان مکتب‌خانه‌ها نیز گردید. البته این کلمه در میان دانشمندان آن روزگار، جایگاهی والا داشت؛ مثلاً به مشهورترین فقیه و مدرس پایان دوره قاجار، یعنی آیت الله سید کاظم خراسانی، آخوند گفته می‌شد. بعداً به‌ویژه در دوران پهلوی، از حرمت این کلمه کاسته شد و حتی مورد استعمال استهزاء‌آمیز پیدا کرد! اکنون این کلمه به گونه عام به معنای پیشوای دینی به کار می‌رود.^۷

۱. فراهیدی، کتاب العین، ج ۳: ص ۲۹۱

۲. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۰۸۵۰

۳. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۷۱۷

۴. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الاثر، ج ۲، ص ۲۷۲

۵. کلینی، الکافی، ج ۱: ص ۳۵

۶. مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)، ۱۰۷/۱۰۰

۷. موسوی‌بجنوردی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۵۰

برخی بر این باورند که وقتی از روحانیت یا واژه‌های مترادف آن یا حتی از واژه‌هایی همچون روشنفکران یا دولتمردان سخن گفته می‌شود، باید توجه داشته باشیم به اینکه در اینگونه موارد، با ابهام معانی سروکار داریم؛ این قبیل الفاظ، الفاظی نیستند که به لحاظ معنایی کاملاً واضح باشند. با این وجود، آیا ما هم در این نوشتار لابد و ناچار باید با این ابهام سر کنیم، یا باید ضرورتاً اتخاذ موضع و تعیین مراد نماییم. چون همه سخن این است که باید «نهاد روحانیت» را تعریف کنیم، بنابراین قبل از تعیین مراد، لازم دیده شد تعاریفی که در خصوص روحانیت شده است را در چند طبقه ارائه نماییم. البته برای سادگی این تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی، ما یک نام برای هر یک از آنها می‌توانیم بگذاریم؛ گرچه ممکن است این نامگذاری مورد پذیرش همگان نباشد.^۱

ب: مفهوم مقاومت

مقاومت ثلاثی مجرد (قَوْمَ- قَامَ)، مصدر باب مفاعله در قرآن نیامده است، ولی اهل لغت برای ماده اصلی و مشتقات آن مداومت بر ایستادگی، پایداری، التزام به پیمودن مسیر حق بدون انحراف و بازگشت معنا کرده اند^۲ و مفسران نیز از آیات قرآن کریم مقاومت را به تداوم برخواندن نماز «... یقیمون الصلاه...»^۳،^۴ استواری و ثبات در دین،^۵ حرکت مستمر در راه حق، به دور از هرگونه انحراف «فاستقم كما امرت»^۶ معنا کرده اند.^۷

پ: اقتصاد

در لغت اقتصاد به معنای میانه‌روی،^۸ حد وسط اسراف و تنگ گرفتن، پایداری در مسیر. مشتقات ریشه «قصد» در قرآن، در معنای لغوی آن به کار رفته است.^۹

^۱. متولیان، گونه‌شناسی سیاسی علمای دینی در عصر سلطنت از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۷۸

^۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۹۲

^۳. مائده/ ۵۵

^۴. فخر الدین رازی تفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۸۲؛ ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۵، ص ۱۳۸

^۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۴۸

^۶. هود: ۱۱۲

^۷. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۷؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۲

^۸. فیومی، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲: ص ۵۰۵

^۹. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۳۷

با توجه به ارتباط علم اقتصاد با دانش‌های متعددی و سرعت تحول اقتصاد، ارائه تعریفی دقیق که بیانگر همه مسائل آن علم باشد و سرعت تحولات آن اقتصاد را پوشش دهد، دشوار به نظر می‌رسد.^۱ با این حال تعریف‌های از علم اقتصاد صورت گرفته است مانند، اینکه: علم اقتصاد عبارتست از: مطالعه چگونگی استفاده مردم و جامعه از منابع کمیاب با مصارف متفاوت به‌منظور تولید کالاهای گوناگون و توزیع آن‌ها در میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه برای مصرف حال یا آینده است.^۲ تعریف دیگر اینکه، علم اقتصاد دانشی است که منابع تولید را مورد شناسایی قرارداده و رفتارهای بشر را به‌منظور کشف راه‌های توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها ارائه می‌دهد.^۳

۲. نقش فرهنگی حوزه و روحانیت در اقتصاد مقاومتی

نقش فرهنگی حوزه و روحانیت در اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

الف: رباخواری

روحانیون باید به طور مداوم احکام شرعی مربوط به ربا، انواع آن و عواقب دنیوی و اخروی آن را برای مردم تبیین کنند و قبح ربا را در جامعه افزایش دهند. تجربه نشان داده که اموال حاصل از ربا دوام و بقا و برکتی ندارد و رباخواران گرفتار سرنوشت‌های شومی می‌شوند و با وضع بدی از دنیا می‌روند. رباخواری فقر و بدبختی می‌آفریند و جامعه را به تباهی می‌کشد، تباهی جامعه مایه درد و رنج همه است، رباخواران نیز در آتش فقری که برای جامعه فراهم کرده‌اند می‌سوزند. تحمیل ربا، عملی ظالمانه است که تمام هستی فرد را به باد می‌دهد و به همین علت است که با اعمال منافی عفت مقایسه و از آن بدتر شمرده شده است؛ چرا که رباخواری یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی به شمار می‌آید. در حدیثی می‌خوانیم که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) به حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: «يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْثَرُ مِنْ سَبْعِينَ زَنْيَةً...» ای علی! یک درهم از ربا از نظر گناه و معصیت [نزد خداوند بدتر از هفتاد بار زنا است].^۴

۱. دادگر و رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، ص ۳۴؛ مارشال، اصول علم اقتصاد، ص ۳

۲. مریدی، فرهنگ اقتصادی، ص ۶۹؛ ساموئلسن، اقتصاد؛ ص ۳۴

۳. میرمعزی، نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی، ص ۲۳ و ۲۴

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ابواب الربا، باب ۱، ح ۸.

اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) که همواره بر پایه کار و تلاش و دوری از تنبلی و بیکاری بوده است اشاره کرد، از جمله: پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَذَ حَبْلًا فَيَأْتِي بِجَزْمِهِ حَطَبَ عَلَى ظَهْرِهِ، فَيَبِيعُهَا فَيَكْفَ بِهَا وَجْهَهُ، خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ؛ اگر انسان ریسمانی بگیرد، پشته‌ای هیزم را بر دوش کشد و آن را بفروشد و از این رهگذر نیازهای زندگی خود را برآورد، بسی بهتر است از اینکه از دیگران درخواست کمک کند»^۱.

همچنین باز پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ؛ هر کس از دسترنج خود ارتزاق کند، روز قیامت در شمار انبیاء قرار گیرد و از ثواب انبیاء بهره خواهد برد»^۲. البته در طلب روزی، نکاتی را باید مورد توجه قرار داد، یکی اینکه در به دست آوردن مال و تلاش برای روزی، نباید از اصل تقدیر رزق و روزی به دست خداوند و توکل بر او غافل شد که روایات گویای این مهم می باشند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا يَمْلِكُ أَمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَأَذْرَارَهَا إِلَّا الرَّازِقُ؛ اختیار کم و زیاد شدن روزیها جز در دست روزی رسان نیست»^۳. و باز می فرماید: «عِيَالُهُ الْخَلَائِقِ ضَمَنَ أَرْزَاقِهِمْ وَقَدَّرَ أَقْوَالَهُمْ؛ مردم نان خورهای خداوند، خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر کرده است»^۴.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ كَثِيرًا مَا يَقُولُ اعْلَمُوا عَلِمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ وَإِنْ اشْتَدَّ جَهْدُهُ وَ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ كَثُرَتْ نِكَايَتُهُ أَكْثَرَ مِمَّا قَدَّرَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْمَرْءِ عَلَى ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ وَ بَيْنَ مَا كُتِبَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها می فرمود: ای مردم به یقین بدانید که خدای تعالی قرار نداده برای بنده بیشتر از آنچه در قرآن کریم برایش مقدر شده؛ هرچند سخت بکوشد و با تمام توان چاره اندیشد و ترفند زند و زیاد باشد پیروزی او؛ چنانچه حائل نشود بین مرد و آنچه در قرآن کریم برایش مقدر شده است؛ هرچند ناتوان و کم تدبیر باشد»^۵.

^۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۸.

^۲. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۱۸.

^۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، آمدی، ح ۱۰۸۳۸.

^۴. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

^۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۳، ح ۶۹.

نتیجه گیری

شناخت و پیاده شدن اقتصاد مقاومتی، از اهداف مکتب اسلام است و رسیدن به این هدف، موجب شکوفایی جامعه، زدودن فقر و ایجاد رفاه و عدالت می‌گردد، این نیاز حس می‌شود که باید جهاد عظیمی در جهت شناخت اقتصاد اسلامی و حرکت به این سمت صورت گیرد. در این راستا روحانیون و مبلغین، به عنوان سفیران دین و فرهنگ، می‌توانند نقش به سزایی در تبیین و تحقق اقتصاد مقاومتی داشته باشند.

نقش حوزه علمیه و روحانیت در تبیین و تحقق اقتصاد مقاومتی بسیار مهم و اساسی است. اهمیت این نقش از دو جنبه قابل بررسی است: تبیین مبانی نظری و فقهی اقتصاد مقاومتی و همچنین ترویج و تحقق عملی آن در جامعه. ضرورت تحقیق در این زمینه نیز از آنجا ناشی می‌شود که برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های حوزه علمیه در این راستا، نیازمند شناخت دقیق این ظرفیت‌ها و ارائه راهکارهای علمی و عملی هستیم.

حوزه علمیه با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در تبیین مبانی دینی و اسلامی دارد، می‌تواند نقش کلیدی در تشریح مبانی نظری اقتصاد مقاومتی ایفا کند. این امر از طریق ارائه تفاسیر و تبیین‌های فقهی از آیات و روایات مرتبط با اقتصاد و همچنین تبیین اصول و ارزش‌های اسلامی که می‌توانند به عنوان مبنای اقتصاد مقاومتی قرار گیرند، محقق می‌شود. علاوه بر این، حوزه علمیه می‌تواند با ترویج فرهنگ کار و تلاش، مصرف بهینه، قناعت، و همچنین نهادینه کردن روحیه خودکفایی و استقلال اقتصادی در جامعه، به تحقق عملی اقتصاد مقاومتی کمک کند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، تولید محتوای مناسب در این زمینه، و همچنین ارائه مشاوره‌های تخصصی به فعالان اقتصادی محقق شود. بنابراین، با توجه به اهمیت نقش حوزه علمیه و روحانیت در اقتصاد مقاومتی، ضروری است که مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت گیرد تا بتوان از ظرفیت‌های این نهاد به بهترین شکل ممکن در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده کرد.

منابع

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مكتبة النينوى الحديثة. بی تا
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان. ۱۳۷۶ق
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، بی تا
۴. ابن الأثیر الجزری، المبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر. تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی. جلد ۱. بیروت: المكتبة العلمية. ۱۳۹۹ق.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۶. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعه، تهران: انتشارات فرهنگ سبز. ۱۳۸۶
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات خاتم الانبیا، اصفهان، چاپ ۴، ۱۳۸۵ش
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۶۶
۹. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دار المعارف، مصر، ۱۳۸۵ ق
۱۰. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین. ۱۴۰۴ق.
۱۱. خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، چ ۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۸۹
۱۲. دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۰
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم. ۱۴۱۲ق

۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق
۱۶. زارعان، محمدجواد، تربیت دینی، تربیت لیبرال، معرفت ۱، ش ۹، ۱۳۷۹
۱۷. زبیدی محمد مرتضی، تاج العروس عن جواهر القاموس، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاء. بی تا.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. (چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۷ق
۱۹. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، نشر رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق،
۲۰. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح ربانی شیرازی، انتشارات مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴ ق
۲۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، «المیزان» ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۳۶۴.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت، مکتبه النشر الثقافه. ۱۳۶۷ش،
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۹۰ق
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر. تفسیر الکبیر. دارالاحیاء التراث العربی. ۱۴۲۰ق
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین. قم: انتشارات هجرت. ۱۴۱۰ق
۲۷. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: موسسه دارالهجره. ۱۴۱۴ق
۲۸. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیر مؤمنان علی (ع). ۱۴۰۶ق
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش
۳۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق و مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: الحدیث. ۱۳۷۶

۳۱. المتقى هندی، حسام الدين، **كنز العمال في سنن الاقوال والافعال**، ضبط حسن رزوق، مكتبة التراث الاسلامي، بيروت، ۱۳۸۹ ق.
۳۲. مجلسي، محمد باقر، **بحار الانوار**، چاپ اول، دارالاحياء التراث العربي، بيروت بی تا.
۳۳. محدث نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، مؤسسه آل البيت صلی الله علیه وآله، قم، ۱۴۰۸ ق
۳۴. محسن، قرائتی، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش
۳۵. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، **دایره المعارف بزرگ اسلامی**، جلد اول؛ تهران، نشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹
۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، **دائرة المعارف قرآن کریم**، ناشر: موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ دوم: ۱۳۸۹ ش
۳۷. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا، **فرهنگ اقتصادی**، تهران: موسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه. ۱۳۷۳
۳۸. مصطفی ملکیان، **مجله راه نو**، سال اول، شماره ۱۳، گفتگوی مصطفی ملکیان، با عنوان حوزه و دنیای جدید. ۱۳۷۷
۳۹. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران، صدرا. ۱۳۵۸
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
۴۱. میرمعزی، سیدحسین و قائمی نیا، علی اصغر، **نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی**، فصلنامه علمی می پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۳، ۱۳۹۰